

وجدان

نوشته نورالله «نورمن» گبای

Please find the English version of this essay in the accompanying file.

مربی انسان عادل وجدان ذاتی اوست.

ز روز گذر کردن اندیشه کن پرستیدن دادگر پیشه کن
به نیکی گرای و میآزار کس ره رستگاری همین است و بس

مقدم بر هر مزبیتی، وجدان، این ودیعه خدادادی ذاتی بشر، نمایانگر همان گفته تورات مقدس است (سفر پیدایش، فصل ۱، آیه ۲۷) که می گوید خداوند بشر را با صفات خداوندی آفریده است. به عقیده نگارنده، وجدان نماینده خداوند در جسم بشر و ناظر بر اعمال آدمی است و همانان که از این موهبت برخوردارند با هر گام، به حکم وجدان، عدالت را مراعات می کنند — و هم از این رو است که انسان‌های بی- وجدان را «بی خدا» می نامند. وجدان در وجود بعضی از انسانها، با توجه به خصلت‌ها و مقدوراتشان، همچون خورشید نور می پراکند و گرمی می بخشد، حال آن که گروهی از انسان- نماهای بی- وجدان، به دلیل نفرت و سنگدلی، ظلم می کنند و جنایت‌ها به بار می آورند. تنها سه نفر از این بی- وجدان‌ها به نامهای مائو، استالین و هیتلر، در ۱۵۰ سال اخیر، حدود ۱۱۸ میلیون نفر انسان بیگناه را به کشتن دادند! جمعی بی- وجدان هم در میان بودند که می توانستند از آن مصیبت‌ها پیشگیری کنند و نکردند، حال آن که در فرهنگ یهود، نجات جان حتی یک انسان برابر با نجات همه دنیا دانسته شده است. در مقابل آن دسته از ستمگران، بسیاری خیرخواهان بوده و هستند که فقط به حکم وجدان خود، از راه‌های گوناگون و به وسعت همت و مقدوراتشان، خدمتگذار بشریت بوده اند. برای نمونه، کافی است از سه تن از برترین قهرمانان نیکوکاری در قرن حاضر، آقایان بیل گیتس، وارن بافت و نورمن بورلاگ نام ببریم که به میلیاردها نفر، بی توجه به رنگ و نژاد و دین، فقط به حکم وجدان پاک، خدمت کرده اند و می کنند.

بیل گیتس به اتفاق وارن بافت، بیش از یک صد میلیارد دلار کمک به تأمین امور بهداشتی و واکسینه کردن مردمان کشورهای جهان سوم اختصاص داده اند. از آن سو، آقای نورمن بورلاگ، با دستی‌نهی از

مال دنیا، اما با فهم علمی عالی خود، از راه آموزش کشاورزی بهتر و ارائه بذر برتر، بی سر و صدا آنقدر خدمت کرده است که در زندگینامه او می خوانیم که نه تنها هم اکنون یک میلیارد نفر را از مرگ و یک میلیارد دیگر را از گرسنگی نجات داده است، بلکه از طریق آموزش کشاورزی بهتر، آینده میلیاردها نفر دیگر را تأمین کرده است. هم از آن رو بود که وی شایسته دریافت جایزه صلح نوبل گردید.



(*عکس ها از ویکیپدیا)

آری، حتماً نباید ثروتمند بود. انسان با وجدان، با انجام هر امر خیر، شایسته دریافت جایزه است، هرچند که برترین پاداش برای او لذت بردن از اعمال نیک خویش است.

در روزنامه خواندم که بیل گیتس، یکی از ثروتمندترین افراد دنیا، گفته است که به هر یک از فرزندان خود ده میلیون دلار خواهد داد و بقیه را صرف امور خیریه خواهد کرد. در مقابل، بسیاری ثروتمندانی که در آینده زندگی، جز خود چیزی نمی بینند.

شخصی که ثروتی به دست آورده بود، نزد انسانی دانا و با تدبیر رفت و گفت، «ای پیر کاردان! به من نصیحتی کن تا در حین ثروتمندی، همچنان مانند گذشته با وجدان و عادل بمانم.» پیر با تدبیر به او تکلیف کرد، «از پشت شیشه پنجره به بیرون نگاه کن... چه می بینی؟» مرد ثروتمند پاسخ داد، «مردم را می بینم که گرم تلاش زندگی هستند.»

پیر خردمند ادامه داد، «اینک در برابر آینه بایست... چه می بینی؟» مرد ثروتمند پاسخ داد، «خودم را.» آنگاه پیر جهاندار توضیح داد، «یک لایه نازک نقره یا جیوه که به پشت شیشه کشیده شده است سبب شد که فقط خودت را ببینی و به مردم توجهی نکنی. کوشش کن که لایه های نقره و طلا، همان دیواره نازک ثروت، باعث نشود که فقط خودت را ببینی، از مردم غافل شوی و از دنیا منزوی گردی.»

ز ما تا عشق، راه بس درازی است به هر گامش نشیبی و فرازی است
نشیبش چیست؟ خاک راه گشتن فراز او کدام؟ از خود گذشتن

افسوس و صد افسوس، بسیاری کسانى که همانطور که با چشمان بسته و دهان باز به دنیا آمده اند، همچنان اطراف خود را نمى بینند و حرف مى زنند و گفتارشان با کردارشان خوانایی ندارد، چون غرور ثروت در برخی از آدمیان قوای تفکر و تعقل را زایل مى کند.

شرط خوبی نیست تنها جان من گفتار خوب خوبی گفتار داری؟ بایدت کردار خوب

در این میان، چنان که مى بینیم، یکی از نقاط ضعف جوامع امروز، خانواده های بی خانمان در کوچه ها و خیابان های اغلب کشورهای دنیا، از جمله آمریکای ثروتمند است. اینان بازده مشکلات و آینه منعکس کننده کمبودهای جوامع بشری هستند و وجدان انسان های با وجدان را آزار مى دهند. حل این مشکل جمعی، اقدام جمعی مى طلبد، و به این منظور، نخست باید علل پدید آمدن این معضل را بر طرف کرد تا این مشکل هتک آبروی دولت ها برطرف گردد. هر یک از اینان مشکلی متفاوت داشته اند، اما در نهایت، اغلب پر و بال شکستگانی هستند که مى گویند با همان بال و پر شکسته، چه در قفس باشند یا در باغ، چه در اتاق باشند یا در خیابان، به مصداق آن که «شکم گرسنه دین و ایمان نمى شناسد»، در پی تأمین معیشت روزانه خود در مانده و سرگردانند.

همشهری مى بیند که یکی از رفقا بی خانمان شده است، همراه خانواده اش در کوچه خوابیده اند و به اصطلاح امروز ایران، «کارتن خواب» شده است. همشهری به رفیقش مى گوید، «احمدی! خودتی؟ چرا کنج این کوچه کارتن خواب شده ای؟ مگه من مرده ام؟» و بعد از کلی تعارفات آب-دوغ-خیاری مرسوم، مى گوید، «وخی، وخی! پا شو! پا شو! پا شو بریم تو کوچه خودمون بخواب!»

به مصداق آن که «زخم زبان کمتر از زخم شمشیر نیست»، تحقیر افتادگان در لباس شوخی نیز پسندیده نیست، که گفته اند:

یک دل رنجیده را خرسند کردن مشکل است شیشه بشکسته را پیوند کردن مشکل است
کوه ناهموار را هموار کردن سخت نیست حرف ناهموار را هموار کردن مشکل است

دوستان! هدف دین بیدار کردن وجدان ذاتی بشر است و بس. هدف قانون گذاران این است که در حین کمک به قشر بی بضاعت جوامع، امنیت جامعه حفظ شود، چون فقر موجب ناامنی است. فرقی میان انسان های با وجدان نیست، چون هدفشان اجرای عدالت است. یکی در صحراها، در مسیر کاروان های ناشناس

آب انباری می سازد و می رود، سپس بی- وجدانِ احمقی می گوید، «تشنگانی که باوری غیر از باورِ من دارند اجازه ندارند که از این آب استفاده کنند!» دیگری دیروز در اروپا یا ترکیه و امروز در عراق، سوریه، میانمار «برمه»، و نظیر آنها، کودکِ یهودی، ارمنی، مسلمان، کرد، ایزدی و غیره را به قیمت جان خود حفظ می کند. آری، فاصله‌ای میان بی وجدانی و خدانشناسی حقیقی نیست. تصوّر بی خانمانی و بی پناهی واقعاً رنج آور است. همه بی خانمان ها در فقر خود مقصّر نیستند، بلکه اغلب آنان از بد حادثه گرفتار شده اند.

از دید نگارنده، نداشتن خانه ای از آن خود و گرانیِ نرخ کرایهٔ مسکن در شهرهای بزرگ، یکی از دلایلِ متعدّد بی خانمانی است. امروز در اکثر شهرها، بیش از پنجاه درصد درآمد یک کارمند صرف کرایهٔ خانه می گردد — که نه عادلانه است و نه عملی. من زوج پیر و بی کس و کاری را می شناسم که تنها درآمد آنها ماهانه ۱۵۰۰ دلار کمک دولتی. از آن مبلغ، هر ماه ۱۳۰۰ دلار کرایهٔ آپارتمان را پرداخت می کنند و تنها با ماهی دویست دلار زندگی را می گذرانند! دولت ها، خاصه شهرداری ها، می توانند به جای سخت گیری ها و هزینه های بی مورد کنونی، از راه اعطای تسهیلات گوناگون برای ساختمان-سازان، از طریق تولید و عرضهٔ بیش از تقاضا، در رفع مشکلات بی شمار کمبود و گرانیِ نرخ اجارهٔ خانه ها کمک کنند.

در سالهای ۱۹۷۹ و ۱۹۸۰، طی سفر به مملکتِ بسیار کوچک و ثروتمند سنگاپور، دوستِ چینی-الأصل من گفت که «در اثر دانایی رئیس جمهورِ محبوبمان آقای وی، همهٔ اهالی این کشور با کمک عاقلانهٔ دولت صاحبِ خانه هستند.» چه خوب که رویهٔ ایشان سرمشقِ سایر دولت ها قرار گیرد و به جای انبار کردن میلیاردها دلار اسلحهٔ بی مصرف، مردم خود را خانه دار کنند و بدون شک، بیش از هر قدرتِ نظامی، موجب آسایش و بقای سیاسی و اجتماعی مملکتِ خود گردند. طبق آمار، تعداد افراد بی خانمان تنها در لس آنجلس بزرگ حدود پنجاه و هشت هزار نفر است. چندی پیش، با دیدن مناظر تأسف بار ایشان، راهی به نظرم رسید که در نامه ای به پرزیدنت ترامپ مطرح کردم. چنان که در آن نامه نوشتم، در اسرائیل برای اسکان مهاجرین، واحدهای کشاورزی و صنعتی به نام کیبوتص تشکیل گردید که در آنجا پولی داد و ستد نمی شود، بلکه سفره ای پهن است، همه بدون استثناء کار می کنند و همگی از تسهیلاتِ رفاهی بهره مند می گردند. این کیبوتص ها از زمان تأسیس تاکنون چنان سودمند بوده و پیشرفت کرده اند که بخش قابل توجهی از صادرات اسرائیل از طریق کیبوتص ها داد و ستد می شود.

من پیشنهاد کردم که دولت آمریکا نیز می‌تواند با بهره‌برداری از تجربیات دولت اسرائیل، با تأسیس کمیوتص‌هایی در این کشور پهناور، خاصه در فلوریدا و کالیفرنیا، بی‌خانمان‌ها را تحت قوانین و شرایط خاص، برای مدتی محدود نگهداری کند و پس از رسیدگی به بیماری‌های روانی و جسمی و رفع محتمل مشکلات ایشان، همراه با تعلیم آموزش‌های لازم، آنان را به زندگی عادی برگرداند. همچنین اظهار امیدواری کردم که این پیشنهاد مورد بررسی دقیق قرار گیرد و در صورت عملی بودن مورد اجرا قرار گیرد.

مدتی پس از ارسال این پیشنهاد، پاسخی به امضای پرزیدنت داند ترامپ به دستم رسید که نسخه‌ای از آن را در پایان این نوشتار می‌آورم و امیدوارم که پیشنهاد من مورد مطالعه قرار گیرد.

عزیزان، ما به دنیا نیامده ایم که بود و نبودمان یکسان باشد. ما آمده ایم تا از خود یادگاری نیک به جا گذاریم. بیایید در برطرف کردن کمبودها سهیم باشیم. از آزادی بیان موجود، موهبتی که هزاران سال دور از دسترس بود، بهره‌بریم. هر ملتی با پیدایش نسلی نوین تولدی دیگر می‌یابد و هر جامعه‌ای باید خود را با زمان تطبیق دهد تا بماند.

برای نسل مهاجران دهه‌های اخیر ایران معجزه‌ای رخ داده است که مهم‌ترین بُعد آن آزادی بیان کنونی است. از این موهبت بهره‌بریم، نقطه ضعف‌ها و کمبودها را تذکر بدهیم و در رفع آنها سهیم گردیم.

در زمان‌های قدیم، «معجزه» ابزاری برای ایجاد ترس، کسب قدرت، یارگیری و به اطاعت درآوردن مردم بود. هدف آن بود که نکات غیرقابل‌باور به مردمان ناآگاه تحمیل و تفهیم شود. چنانچه هنوز همان شیوه تفکر ادامه داشت، دانشمندان سودجو و تردستان میلیون‌ها پیرو داشتند و پایتخت آنها لاس‌وگاس بود! «معجزه» امروز دو معجزه علم و آزادی است و مردم «معجزات» تردستان را نوعی حقه‌بازی می‌دانند، نه راهی برای ارتباط گرفتن با پروردگار.

در شهر شایع می‌شود که «کفش‌های آقا هر صبح، به خودی خود پیش پای آقا جفت می‌شوند!» رندی از همسر آقا حقیقت امر را جويا می‌شود. همسر آقا می‌گوید، «من از معجزه خبر ندارم، ولی می‌دانم آقا هر صبح که بیدار می‌شود، فریاد می‌زند که "این جوراب‌های صاحب-مرد من کو؟!!"»

به امید روزی که مردم دنیا به حکم وجدان، یار و یاور یکدیگر باشند و چنان که شاعر گفت، بدانند:

همه روز، روزه بودن همه شب نماز کردن
به مساجد و معابد همه اعتکاف کردن
دو لب از برای لبیک به وظیفه باز کردن
ز وجود بی‌نیازش طلب نیاز کردن
به خدا که هیچ کس را ثمر آنقدر نباشد
که به روی ناامیدی در بسته باز کردن
این است وجدان بیدار.

کنونت که امکان گفتار هست بگو ای برادر به لطف و خوشی
که فردا چو پیکِ اجل در رسد به حکم ضرورت، زبان در کشی

نورالله «نورمن» گبای
ژوئن ۲۰۱۸، لس آنجلس

پیوست

نسخه ای از پاسخ پرزیدنت داند ترامپ، ژوئن ۲۰۱۸، به نامه نورالله «نورمن» گبای



THE WHITE HOUSE
WASHINGTON

Thank you for your thoughtful suggestions on how to address important issues facing our Nation. I am honored to work on behalf of all Americans to grow our economy, protect our citizens, and strengthen American leadership around the world.

When America is united, there is no challenge too great. Together we will prosper, and we will get the job done. Thank you again for your suggestions.

Sincerely,

* Copy of President Donald Trump's Reply of June 2018 to the Author.

برای دریافت کپی این مقاله و سایر مقالات و نوشته های نورالله «نورمن» گبای به زبانهای فارسی و انگلیسی، شامل سه کتاب او، از آن جمله لحظاتی برای تفکر و واژه نامه زبان یهودیان کاشان، به وبسایت www.BabaNouri.com مراجعه کنید.